

علمی ادبیات بدان بار مثبت نیز داده است. با این حال اگر ما به دنبال فرهنگی با ارزش در دل یک واقعه می‌گردیم با تغییر اسامی به نتیجه نخواهیم رسید بلکه مؤلفه‌های دیگری در میان است. کتابداری مدام با شناخت مصادیق مفاهیم سر و کار دارد به همین خاطر می‌تواند مرزبندی درست‌تری از آنها ارائه دهد و ضمن تعریف حدود و ثغور یک مفهوم، مفاهیم جز و کل و همپایه و هم خانواده و مرتبط آن را نیز مشخص و سامان دهد.

کتابداری مدام با شناخت مصادیق مفاهیم سر و کار دارد به همین خاطر می‌تواند مرزبندی درست‌تری از آنها ارائه دهد و ضمن تعریف حدود و ثغور یک مفهوم، مفاهیم جز و کل و همپایه و هم خانواده و مرتبط آن را نیز مشخص و سامان دهد.

اما به نظر می‌رسد کتابخانه جنگ در سطح جامعه شناخته شده نیست.

جامعه فرهنگی و پژوهشگران، چنانچه در لباس این عناوین با مسما باشند، اگر به خدمات ما نیاز داشته باشند آن را سریع می‌یابند.

چه عاملی موجب پیوستن شما به «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» شد؟

پاییز سال ۱۳۷۶ به دعوت بخش پژوهش دفتر، به اینجا آمدم و با ارائه فهرست‌های مختلفی از آثار دفتر، به نوعی اطلاع‌رسانی این آثار را برعهده گرفتم. در همان ایام با توجه به نبود یک کتاب‌شناسی مناسب در حوزه «جنگ ایران و عراق» همت خود را بدان جهت سوق داده و همان انگیزه‌ای شد که در اوایل سال ۱۳۷۹، متناسب با حساسیت‌های برگرفته از سال‌ها تجربه خود، شناخت قابلیت‌های موضوع جنگ و در راستای خواست مسئولان دفتر و حمایت جدی بخش پژوهش، طرح «کتابخانه جنگ» را پی‌ریختم و آن کتاب‌شناسی نیز، یعنی «کتاب‌شناسی جنگ ایران و عراق» گرچه هنوز چاپ نشده، اما شالوده و اساس کار کتابخانه قرار گرفت.

کتابخانه‌های تخصصی جنگ چه فعالیت‌هایی برای اطلاع‌رسانی دارند؟

اطلاع‌رسانی دانش تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات است. از محم‌لهای این دانش، کتابخانه‌ها و از محصولات

و پژوهش در موضوع جنگ و جنگ‌ها و احوالات مردان و زنان مؤثر در آن، لازمه پیشرفت و تعالی هر جامعه‌ای است. گرچه جنگ همچون سایر موضوعات علوم و فنون، مثل مهندسی یا پزشکی، وجه تخصصی ویژه‌ای ندارد و به یک معنا، موضوعی نیمه تخصصی، عمومی و همه فهم است، موضوعی که می‌تواند در تمام دانش‌های بشری اثربخشی داشته باشد. با این حال به تبع اینکه آثاری هم رده و هم موضوع در این باره منتشر شده و می‌تواند این آثار در یک جا فراهم شود یک کتابخانه تخصصی شکل می‌گیرد.

آیا فکر نمی‌کنید با اطلاق «ادبیات جنگ» به برخی آثار، موضوع مقابله و پایداری در برابر متجاوز و در محتوای آثاری که بنا به تعریف رایج در زمره ادبیات پایداری قرار می‌گیرند، درست نیست؟

به زعم ما اصلاً این چنین نیست. اینجا تفکیک حوزه تبلیغی و تخصصی کار مشخص می‌شود. وقتی حوزه فرهنگ عمومی حتی ادبیات رایج، متأثر از شعارها و عوامزدگی باشد دائم به تقسیم‌بندی‌های عجیبی چون «ادبیات جنگ» و «ضد جنگ» مشغول خواهیم بود و دچار همان مشکلی می‌شویم که با لفظ «کتابخانه جنگ» مواجه هستیم... ذات جنگ کشتن و کشته شدن و خرابی است و همیشه مذموم است و نمی‌توان آن را تقدیس کرد. اما حاصل «جنگ طلبی» یا «ضد جنگ بودن» یک چیز بیشتر نیست و آن خود موضوع «جنگ» است که هر دو را در خود مستتر دارد. از نگاهی دیگر جنگ وقتی موضوعیت روز دارد آنقدر تعیین کننده و سرنوشت ساز است که به قول حضرت امام رحمت ... علیه، «جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است»، و وقتی موضوعیت ندارد همین عواملی که عزت و شرف به بار می‌آورند گنجی پایان‌ناپذیر است.

هم باید برای آن آماده بوده، به قول فروید «تا زمانی که امپراتوری‌ها و قدرت‌ها و ملت‌هایی وجود دارند که بیرحمانه آماده نابودی دیگرانند، دیگران نیز باید خود را برای جنگ مسلح کنند». و هم دعا بکنیم تا جوامع انسانی آنقدر به رشد و تکامل فرهنگی برسند تا گفتمان اندیشه، جایگزین به کارگیری قدرت نظامی شود. با این توصیف لفظ «ادبیات جنگ» نه بار ارزشی دارد و نه ضد ارزش، بلکه مفهومی است برای یک موضوع و مصداق؛ و اگر درست نگاه کنیم ارزش

نگاهی ویژه به موضوعیت کاری این مرکز یعنی جنگ ایران و عراق در اینجا به وجود بیاید. ثالثاً از آنجا که کتابخانه جنگ را یک کتابخانه فرهنگ عمومی می‌پنداریم، گرچه عموماً با موضوعات تاریخی سر و کار دارد اما به وضع تاریخ معاصر و فعالیت‌هایی که متأثر از این تاریخ است می‌باید بهای بیشتری بدهد. بنابراین جنگ ایران و عراق و بنا به اصطلاح رایج دفاع مقدس، اکنون اصلی‌ترین موضوع کاری ما را تشکیل می‌دهد و در کنار آن سایر جنگ‌ها مدنظر قرار دارند.

○ پس کتابخانه جنگ در عین اینکه یک کتابخانه تخصصی است اما به نوعی مأموریت سازمانی نیز دارد آیا سازمانی بودن، شمارا محدود نمی‌کند؟

● مأموریت سازمانی این کتابخانه فراتر و جدای از تخصص موضوعی آن نیست، یعنی مأموریت سازمانی این کتابخانه با موضوعیت آن هم پوشانی کامل دارد و در واقع در دل آن قرار دارد و به گونه‌ای است که وجه تخصصی و موضوعی آن را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. ما به این کتابخانه یک کتابخانه سازمانی اتلاق نمی‌کنیم

**جنگ با تمام زشتی‌ها، به نوعی
منشاء تکامل فرهنگی جوامع
بشری از نظر پیشرفت علوم و
فنون، خلق آثار تأثیرگذار ادبی
و هنری خصوصاً فیلم‌های
سینمایی با بار سنگینی از
حماسه‌ها و ایثارگری‌هاست**

کتابخانه‌ای که بنا به وظیفه هر چه سازمان مادر بدون توجه به موضوعیت آثار، دستور دهد و مورد استفاده‌اش باشد باید منابع فراهم کند. در حالی که هر چه در اینجا جمع می‌شود متناسب با تخصص موضوعی کتابخانه یعنی جنگ است. همچنین مراجعه کننده به این کتابخانه فقط درون سازمانی نیست و بیش از هشتاد درصد مراجعات بیرونی است. ○ چرا اسم کتابخانه را کتابخانه جنگ گذاشته‌اید در حالی که منابع شما بر یک جنگ خاص یعنی ادبیات جنگ ایران و عراق متمرکز شده است. چرا کار خود را تعمیم داده و از یک عنوان عمومی استفاده می‌کنید؟

● درست است که هنوز ما ذیل این نام هویت واقعی و بامسما نداریم، اما هر چه انجام شده جزئی از این کل است و ما

آن، که بروز و ظهور متنوعی دارند، کتابشناسی‌ها، فهرست‌ها، نمایه‌ها، بانک‌های اطلاعاتی و وب‌سایت‌هاست. پرداختن به موضوع «جنگ»، سر و کار داشتن با تمام علوم بشری، از جمله ادبیات، هنر، تاریخ و علوم اجتماعی است. حضور بی‌وقفه جنگ در طول تاریخ زندگی بشر، تبعات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خاصی رقم زده است که می‌توان آن را در شمار فراوان کتاب‌ها، مقالات، رسانه‌های دانشگاهی و پژوهشی مشاهده کرد. «کتابخانه تخصصی» در حوزه جنگ می‌تواند در وادی این آثار داخل شده و امر اطلاع‌رسانی آن را ساماندهی کند.

کتابخانه‌های تخصصی مهم‌ترین مراجع پژوهشی و اطلاع‌رسانی در موضوعات گوناگون هستند و پیشبرد امور پژوهشی ارتباط مستقیمی با رشد کتابخانه‌های تخصصی در همان مقوله دارد و عکس آن نیز صادق است. به همین خاطر کتابخانه‌های تخصصی ذیل مراکز پژوهشی ایجاد می‌شود. ○ آیا این کتابخانه نیز با لحاظ کردن چنین شرایطی بنا شده است؟

● در واقع «حوزه هنری» مرکزی پژوهشی است که در قلمرو ادبیات و هنر به تولید آثار می‌پردازد، یکی از مراکز زیرمجموعه آن، «مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری» است که اکنون دو دفتر پژوهشی آن، یعنی «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» و «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» در دو تعریف مجزا، کارشناسی و تولید آثار حوزه جنگ و انقلاب را بر عهده دارند. «کتابخانه جنگ» در «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» متولد شده و در کنار امور پژوهشی آن رشد کرده و به بلوغ رسیده است.

با توجه به اینکه این کتابخانه محدود به منطقه جغرافیایی خاصی است و همچنین ذیل یک مجموعه تعریف شده مثل حوزه هنری قرار دارد به نوعی سازمانی بودن کتابخانه جنگ را در ذهن تداعی می‌کند.

○ حوزه جغرافیایی در کار شما چه تأثیری داشته است؟

● اولاً با توجه به ملیت این کتابخانه، مسلم است که همچون سایر ملل و ممالک که رده‌بندی‌ها در آنجا شکل گرفته است نگاهی ویژه به وضعیت بومی خود داشته باشیم. ثانیاً با توجه به مأموریت سازمان مرکزی که ما در آن مستقر هستیم یعنی: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، طبیعی است که

نمی پرسند رزمنده کدام جنگ. یا وقتی می گوئیم داستان جنگ، عموماً بر داشت شان داستان جنگ ایران و عراق است. ادبیات جنگ هم بر همین منوال است. بنابراین در حال حاضر ما برای هدایت مخاطب با مشکلی مواجه نیستیم بلکه بسیاری از مخاطبان کنونی کتابخانه، ما را با هویت جنگ ایران و عراق می شناسند و اگر بدانند از منابع جنگ دیگری نیز منابع داریم تعجب می کنند. اما در جواب سوال دوم که مهمتر است و آن اینکه چرا ما اصرار بر دیدن کل جنگ و جنگ ها داریم باید عرض شود که در اینجا تخصص و کارشناسی خاص این کتابخانه شکل می گیرد. یعنی در وهله اول ما می خواهیم جایگاه یک مطالعات تطبیقی برای حوزه پژوهش جنگ فراهم کنیم تا پژوهشگران و مراکز مطالعاتی و پژوهشی به درستی امکان مقابله و تحقیق در همه جنگ ها و منابع ارزشمند سایر ملل و مباحث اجتماعی و علوم انسانی فراگیر در جنگ های بزرگ و مطرح را در اختیار داشته باشند. در وهله دوم و مهمتر اینکه از قبل یک کار پژوهشی در کتابداری، آنچه فراهم می آید می تواند تاریخ و فرهنگ بومی یک سرزمین را به بهانه و محمل کتابداری، فراگیر و جهانی کند. گرچه در حال حاضر این امر یک آرزوست، اما خود این قضیه واقعیت دارد.

○ ضرورت رده بندی کتابخانه جنگ را چقدر مؤثر می دانید؟
● در این کتابخانه سعی کرده ایم یک نظام کتابداری تخصصی در حوزه جنگ شکل بگیرد یعنی مولفه هایی که به کتابداری اضافه می شود سمت و سوی تخصصی پیدا کند. این امر بسیار اهمیت دارد. اصطلاح نامه و سرعنوان موضوعی خاص جنگ شکل می گیرد، منابع مرجع ویژه این موضوع فراهم می شود و از همه مهمتر ضرورت یک رده بندی خاص جنگ نمایان می گردد. گرچه مدتی است که گسترش این رده را کنار گذاشته ایم اما یکی از دغدغه های مهم ماست. برای شناخت اجمالی مولفه های این رده در همین حد اشاره می کنم که در فرآیند یک تقسیم بندی تاریخی برای تمام دنیا و با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی کشورها، جنگ ها تقسیم بندی می شوند و شکل می گیرند که در این میان اولویت با وضع بومی کشور ما ایران است. یعنی برای هر جنگ یک شماره و رده اختصاص می یابد سپس تفکیک موضوعی آثار صورت می پذیرد.

○ تاکنون پژوهشگران، نویسندگان و سایر علاقه مندان تا چه

رسالت کتابخانه را رسیدن به آن کل می دانیم. فضا، امکانات، اعتبارات مالی و توان پرسنلی به ما بیش از این اجازه نداده است. این تذکر نیز گفتنی است که ما همواره می توانیم برای بخشی از یک کل، نام کل را انتخاب کنیم. همان طور که ما می گوئیم این یک بانک اشعار است به این معنی نیست که تمامی اشعار موجود در دنیا و به هر زبانی را در خود جای داده، بلکه بخشی از اشعار چند شاعر را در خود جای داده است. اینجا هم یک کتابخانه تخصصی جنگ است اما الزاماً همه کتاب های جنگ در آن نیست.
○ نگران این نیستید حداقل کسانی که برای جنگ های دیگر به شما مراجعه می کنند بی جواب برگردند؟

● ببینید کسانی که در حوزه های مختلف مثلاً جنگ دوم جهانی تحقیق می کنند شاید به ما مراجعه کنند و بخشی از منابع خود را در اینجا پیدا کنند. با این حال دانشنامه ها و کتب مرجع متعددی داریم که می تواند در این زمینه پاسخگو باشد. اگرچه با توجه به عنوان کتابخانه، وظیفه ما این است که تمام منابع هر جنگی را فراهم کنیم اما به هر حال بخشی

در این کتابخانه سعی کرده ایم یک نظام کتابداری تخصصی در حوزه جنگ شکل بگیرد، یعنی مولفه هایی که به کتابداری اضافه می شود سمت و سوی تخصصی پیدا کند

از نیاز او را پاسخ می دهیم.

○ اینجا دو مساله پیش می آید. یکی اینکه مخاطب نباید سرگردان شود و دیگر اینکه با توجه به این محدودیت ها چرا شما اصرار بر کل دیدن جنگ دارید؟

● اولاً مراجعانی که به دنبال منابع جنگ ایران و عراق هستند حتماً به کتابخانه جنگ مراجعه خواهند کرد چرا که جنگ ایران و عراق یکی از جنگ هاست و باید آثارش در هر کتابخانه جنگی موجود باشد. مثل آنکه الان یک دانشنامه جنگ منتشر شود و اطلاعاتی پیرامون جنگ ایران و عراق در آن نباشد، این کاملاً دور از ذهن است. ثانیاً در وضع کنونی و معاصر، جامعه ما به نوعی متأثر از مسایل و فرهنگ منبعث از جنگ ایران و عراق است. مثلاً وقتی می گوئیم رزمنده.

حد از کتابخانه و طرح های آن استقبال کرده اند؟

● قاعدتاً باید وجود چنین کتابخانه ای برای آنها بسیار مغتنم باشد. گرچه در مجموع بد نبوده است اما ما انتظار دیگری داشتیم. در برخی موارد نیز قصه ای شگفت آور خلق شده است. به همین مقدار بسنده می کنم که برخوردهای کاملاً متفاوتی وجود داشته است. یعنی برخی مواقع در جایی که انتظار استقبال بوده بی مهری دیده ایم و بالعکس از جایی که انتظار نداشته ایم پشتیبانی و حمایت شده ایم.

وقتی کتابخانه ای با اهداف و آرمان های مقبول و برگرفته از خواست اصحاب نگارش و پژوهش و پیگیر در کاستی های زوایای مختلف حوزه جنگ تشکیل می شود انتظار می رود اولین کسانی که در آن عضو شوند پژوهشگران و نویسندگان این حوزه باشند و به طریق مختلف از آن حمایت کنند. یعنی مراجعه کنند، عضو شوند، منابع اهدا کنند، دلگرمی ایجاد کنند، اما طی این ۸ سال که از عمر کتابخانه میگذرد، بودند از اصحاب این حوزه علی الخصوص در وادی پژوهش و ادبیات و مطبوعات که مکرراً از کنار کتابخانه گذشتند، و باینکه در ساختمانی که ما هستیم از در و دیوار آن نام کتابخانه مشهود است، سربرنگر دادند که اینجایچه خبر است؟ و بودند کسانی که در گوشه و کنار از کمبود اطلاع رسانی این حوزه داد سخن سر دادند و باینکه ما خود را به طرق مختلف از طریق رسانه ها معرفی کرده ایم مراجعه ای نکردند... بگذریم.

○ فکر نمی کنید کسانی که در حوزه جنگ نیاز به پژوهش دارند از جمله سینماگران، داستان نویسان و سایر کسانی که در کارشان آزاداندیش هستند ماهیت و نام سازمانی شما مواردی به آنها تحمیل می کند و حداقل می تواند باعث ایجاد این تصور شود که می تواند این آزاداندیشی را سلب کند؟

● تاکنون که این گونه نبوده است. ما در بخش اطلاع رسانی، برای منابع ارزش گذاری نکرده ایم و منابع خاصی را هم تبلیغ نمی کنیم. سعی کرده ایم آثار را به درستی معرفی کنیم تا هر مراجعه کننده، با ملاک های خود امکان انتخاب داشته باشد. گرچه شخصاً اعتقاد دارم که گزینش و انتخاب آثار مناسب، از تخصص های یک کتابخانه تخصصی و رویکردی پژوهشی و فرهنگی برای آن می تواند باشد و دارای مشخصه های علمی است. به هر حال سینماگران و داستان نویسان و هنرمندانی هم که تا به حال مراجعه و تعدادی نیز

عضو این کتابخانه شده اند چنین برداشتی نداشته اند. ○ ظاهراً علاوه بر کار اطلاع رسانی و کتابداری به نوعی تحلیل محتوای آثار را هم در دستور کار خود قرار داده اید؟ ● بله. این امر نه به شکل نقد و تفسیر محتوای آثار، بلکه فرآیندی خاص در حوزه اطلاع رسانی دارد که معتقدیم، بود و نبود ما در آینده بدان بستگی دارد یعنی ما سعی می کنیم به سمت حوزه مرجع سازی در موضوع جنگ پیش برویم. ○ با توجه به وجود کتابخانه های دیگر همچون کتابخانه شهید و شهادت بنیاد شهید و یا کتابخانه جامع دفاع مقدس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، آیا نیازی به کتابخانه جنگ بود و آیا هم پوشانی بین این چند کتابخانه وجود دارد؟

● مسلماً هم پوشانی دارند. اما وجود چنین کتابخانه هایی و پراکندگی آنها در جاهای مختلف نشان دهنده آن است که یک نیاز در سایر مناطق و مراکز نیز وجود دارد که باید تأمین شود. علاوه بر این، به سبب تراکم جمعیت در تهران، وجود این کتابخانه های کوچک در اقصی نقاط آن، به هر نامی که باشد، لازم به نظر می رسد. با این توضیح تکراری که کتابخانه جنگ در واقع یک کتابخانه فرهنگ عمومی است و نمی توان آن را با یک کتابخانه تخصصی صرف مثل کتابخانه مهندسی یا کتابخانه تخصصی علوم پزشکی یا حقوق مقایسه کرد که برای استفاده از آنها، به تحصیلات آکادمیک سطح خاص علمی نیاز است.

○ با توجه به نگاه خاص این کتابخانه به پژوهش جنگ، این سؤال پیش می آید که یک کتابخانه تخصصی جنگ چگونه می تواند در حوزه تعریف موضوعات جنگ وارد شود؟ و آیا این امر در صلاحیت کتابخانه های تخصصی است؟

● آن تعریفی که ما از کار کتابخانه تخصصی و پژوهشی داریم و جایگاهی که در کنار بخش پژوهش برای آن قائلیم، چنین کارشناسی هایی را ایجاب می کند. اما مهمتر از آن، وقتی کتابداری در حوزه تعریف و مرزبندی مفاهیم جنگ وارد می شود افق جدیدی بر روی پژوهشگران این حوزه می گشاید و آنها را در درک گستره مفاهیمی که سالیان متمادی در ذهن و زبان شان جاری بوده یاری می رساند و حتی کتابداری، تعریف مفاهیم را از کارشناسان اخذ و با مرزبندی جدید و سامان یافته و محدود و منطبق با نظیرهای آن در زبان بین الملل و گستره فرهنگ و زبان سراسر دنیا به خودشان باز

یا ترجمه ای که با محتوای «انقلابات ملل مختلف» و یا وقایع تاریخی و اسلامی مثل «عاشورا» نیز زندگینامه مشاهیر انقلابی چون «ابوذر» در دوره شکل گیری انقلاب اسلامی، در زمره ادبیات پایداری زمان خود محسوب می شوند اما در واقع به جهت محتوای خود نسبتی با آن واقعه ندارند.

پنجم آنکه در وضعیت «هم زمانی» ادبیات پایداری با یک واقعه، تأثیر این ادبیات در آن واقعه نیز از زمره ملاک های این نامگذاری است. در این تعریف تکلیف و قیامی که تاریخی شده اند چه می شود؟ مسلماً اکنون آثار پیرامون جنگ ایران و عراق منتشر نمی شود تا پایداری یک ملتی را در برابر جبهه دشمن برانگیزاند، چرا که امر جنگ وجه تاریخی پیدا کرده و اکنون منتفی شده است.

و دیگر آنکه در بیشتر موارد وقتی صحبت از ادبیات پایداری است الزاماً ادبیات محض مد نظر نیست و هرگونه فرهنگ و نوشته ای که در یک فرآیند مبارزاتی قرار می گیرد، می تواند لحاظ شود.

بنابراین می بینید که در کتابداری ملی، با اینکه مصلحت ملی و بار ارزشی کلمات متناسب با فرهنگ ملی باید لحاظ شود نمی توان به راحتی ادبیات پایداری را برای ادبیات جنگ ایران و عراق به کار برد. پس عبارتی که دامنه مشخص و محدودی در تعریف برقرار نکرده است نمی تواند مصادیق مشخصی نیز داشته باشد. بنابراین کتابداری می تواند آن را از جایگاه اصلی خارج و چون رایج و جاری است حالت ارجاعی بدان دهد و یه عنوان نمونه «ادبیات انقلاب» (معطوف به یک انقلاب خاص)، ادبیات جنگ (معطوف به یک جنگ) را به جای آن بنشانند.

○ مخاطبین کتابخانه شما چندان پر تعداد به نظر نمی رسند. استقبال از این کتابخانه تا چه حد بوده است؟

● برای بررسی این موضوع باید کلی تر به قضیه نگاه کرد. ما متأثر از حوزه عمومی فرهنگ خودمان هستیم یعنی باید دید که سرانه مراجعه به کتابخانه های عمومی در سطح این مملکت چقدر است و اگر ضرورت کنکور را در نظر بگیریم آیا کتابخانه های عمومی مراجعه کنندگانی چنین پر تعداد خواهند داشت. گرچه فضای غالب بر جامعه ما به شدت تحت تأثیر رسانه است، اما در این میان کتاب، ضعیف ترین نقش را داراست و مسلماً این رویکرد به حوزه های تخصصی و نیمه تخصصی نیز سرایت می کند.

می گرداند. این قضیه منافی با تخصص پژوهشگران این حوزه در تعریف حدود موضوعات جنگ نیست بلکه نشانگر قابلیت و توانایی است که کتابدار، بنابه دلایل مختلف، در این امر دارد. البته اینکه توان علمی و کارشناسی ما در این خصوص چقدر است؟ امر دیگری است.

فی المثل نگاه کنید به مفهوم «ادبیات پایداری»، در اقوال رایج و آثار صاحب نظران که معمولاً آن را عام از ادبیات جنگ و انقلاب می شمارند و اغلب آن را برای ادبیاتی که در محتوا به پایداری در برابر اشغالگر خارجی، فشار نظامی و یا استبداد ملی بپردازد بکار برده اند و عده ای دیگر نیز همان گونه که از «ادبیات جنگ» جنگ طلبی را برداشت می کنند از «ادبیات پایداری» نیز کارکرد حال آن را استنباط می کنند. در هر دو صورت، از آنجا که سؤال خوب رکن اساسی امر پژوهش است، چندین پرسش درباره این موضوع وجود دارد که سمت و سوی نگاه ما را از منظر کتابداری و برای مرزبندی، تفکیک و رده بندی آثار آن مشخص می کند.

سؤال اول آن است که وقتی این ادبیات بنا به یکی از تعاریف خود، در وضعیت اشغال توسط نیروهای متجاوز شکل می گیرد، برای ادبیات جنگی که محتوای آن مبتنی بر حضور موضوع و مضمون در مناطق اشغالی نیست و جبهه ای خارج از محدوده اشغال و مقابل با جبهه دیگر را به تصویر می کشد - یعنی به برآیند کار یکی از گروه های درگیر در جبهه ای مقابل و برابر - آیا می توان ادبیات پایداری اطلاق کرد؟

سؤال بعدی آن است که آیا ادبیات جنگ هایی که در آنها تکلیف شرعی نقش مهمی دارد یا به نوعی جهاد نیز محسوب می شوند میتوان ادبیات پایداری نامید؟

سؤال سوم آن است که آیا بار ارزشی خود کلمه «پایداری» در این نوع ادبیات برای همه مقاطع تاریخی ثابت است یا تابعی از نگرش های حکومتی، سیاسی، مصلحتی و حتی تحمیلی و گزینشی است و همیشه مترصد تعریف ما از جبهه موجه سیاسی و ملی است؟ یعنی عباراتی که در طول زمان و وضعیت «در زمانی» در تلاطم نگرش های خاص گرفتارند.

چهارم آنکه وضعیت ادبیات پایداری «هم زمان» با یک واقعه که می تواند در محتوای غیر مربوط با آن واقعه نیز تجلی پیدا کند چه می شود؟ چنانچه یکی از اسباب مبارزه چنین است. یعنی بهره گیری از تمثیل و کنایه، مثل برخی آثار تالیفی